



خیلواکی

استقلال

سه شنبه ۲۹ دسامبر ۲۰۲۰

حمید انوری

## نگاهی بر

### هجوم نظامی شوروی بر افغانستان یا ایجاد جبهه جدید ضد امپریالیستی-۱

داکتر "یار محمد تره کی" تحلیل جالبی تحت عنوان بالا، به رنگ آبی، به تاریخ ۲۰۲۰/۱۲/۲۷ نوشته اند که در افغان - جرمن آنلاین به نشر رسیده است. راست بگویم، من درست نمی دانستم که این هموطن، کی است، یعنی اینکه معلومات دقیق و کافی در مورد ایشان نداشتم.

چون در عنوان نوشته سخنی از "هجوم نظامی شوروی"، رفته بود، آنرا باز کردم و خواندم. با مطالعه هر پاراگراف آن برای من سوالاتی خلق شد و بر آن شدم تا آن سوالات را به گونه ای مطرح کنم، تا شاید پاسخ یا پاسخ های قناعت بخشی در مورد دریافت نمایم. چون خواستم این سطور را آغاز کنم، از روی عادت، سری زدم به گوگل و در مورد به جست و جو پرداختم تا قبل از پرداختن به موضوع، اندک معلوماتی در مورد این هموطن داشته باشم. اولین عنوان در گوگل این بود:

#### خانه تره کی، دومین در سمت راست؛ چهلمین سالگرد کودتای ثور

بالای این لینک سایت "بی بی سی"، کلیک کردم و دانسته شدم که این جناب، برادرزاده "نور محمد تره کی" است و...، هموطنانی که خواسته باشند با چهره این برادرزاده نور محمد تره کی آشنا شوند، می توانند به لینک بالا مراجعه کنند.

و اما بعد از این مقدمه مختصر، بدون در نظر داشت اینکه جناب یار محمد تره کی، برادرزاده نور محمد تره کی، هستند، مضمون متذکره شانرا اندکی تول و ترازو میکنیم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید، به امید اینکه پاسخ قناعت بخشی در زمینه ارائه شود؛ حال می تواند این پاسخ ها بصورت مستقیم از جانب "یار محمد تره کی" باشد، یا هر هموطن دیگر.

[ در سال ۲۰۱۴ با یکی از کادر های قبلی حزب دموکراتیک خلق صحبت میکردم و از نتایج مرگبار مداخله نظامی شوروی در افغانستان یاد کردم. قبل از آنکه به سخنان خود ادامه بدهم این شخصیت به مسله بسیار جالبی اشاره نمود که مقاله امروزی خویش را از آن آغاز میکنم. به نظر این شخصیت مداخله اتحاد شوروی در افغانستان گشایش یک جبهه جدید ضد امپریالیستی بود. وی به من گفت که حتی رهبران پشتون پاکستان در مسکو به رهبران شوروی گفته بودند که " کار نادرستی نموده اید که بر افغانستان تجاوز کرده اید. اما چون این عمل انجام شده است پس لطفا بیشتر بروید و ما را از غم پنجابی ها خلاص کنید، در عین حال انقلاب افغانستان نیز موفق خواهد شد. اگر این کار را نکنید امریکایی ها از طریق پاکستان انقلاب و شما را شکست میدهد". ]

جناب یارمحمد تره کی اما آن "کادر حزبی" را معرفی نمی کند و نیز آنچه آن "کادر حزبی"، از زبان "رهبران پشتون پاکستان"، نقل قول کرده است، دقیق و مستند و با نام و نشان مشخص نیست و هیچ ارزش تاریخی ندارد و می تواند یک گزاره گوئی جهت تبرئه کودتا و تجاوز باشد و دگر هیچ. "این یک شیوه برخورد جدید در مورد مداخله نظامی شوروی در افغانستان بود که تا آنزمان نه شنیده بودم. وی به شکل مشخص تشریح داد که امریکا و شوروی جهان را در قسمت های مختلف بین خود تقسیم نموده بودند. خطوط جبهه ای و مرزی بین آنها در بسا مناطق ایجاد شده بود مانند خطوط کنترل در یمن، ویتنام، کامبوج، عراق، سوریه، بالکان، پولند و حتی وینزویلا و نیکاراگوا. از نظر جیو پولیتیک، سیاسی و نظامی (که من متخصص آن نیستم) این هم یکی از تشریحات حوادث سالهای ۱۹۷۹-۱۹۸۰ است"

گیریم که این قضیه را قبول کردیم و رو سیه و امریکا به همین گونه که در بالا آمده است، کشور های مورد نظر را بین خودها تقسیم و ترکه کرده باشند، اگر آن "کادر ح.د.خ"، از چنین یک تقسیم و ترکه اطلاع داشته است، پس در مورد آن و در قسمت مقابله با آن و در مورد آگاه ساختن مردم در زمینه، چه اجرات "میهن پرستانه" را انجام داده بوده است؟!

وظیفه "حزب طبقه پیشرو" افغانستان در قبال آن چه بوده است و چرا آن حزب، مُمد نقشه ها و اهداف پلید دو ابرقدرت گردید و چرا در کنار تجاوزگران روسی قرار گرفت و کشور و مردم آنرا قربان اهداف پلید رو سیه ای شوروی کرد؟!

تا این قسمت تحلیل مغرضانه از همان "کادر" حزب بوده است، اما باقی تحلیل های یار محمد تره کی است که در مورد کمی بیشتر درنگ میکنم.

" و اما بیائید از لینز خود به این مسئله ببینیم: (لینز های ذیل، مربوط می شوند به یار محمد تره کی) انقلاب افغانستان شوروی ها را ناراحت ساخت. وضعیت موجوده (Status quo) در سرحدات جنوبی بین شوروی و رژیم دوست شهزاده سرخ سردار داود بر هم خورده بود."

اینرا همه خوب میدانند و میدانیم که افغانستان هرگز روی انقلاب را به خود ندیده است و جناب یارمحمد تره کی، دیده به دانسته، کودتای خونین و ننگین هفتم ثور را، "انقلاب" می خواند!

چگونه می شود با تمام لباس و عبا و قبا و کلاه و عصا، به چشم خلق خدا درآمد و مدعی گردید که روسها را کودتای ثور یا بگفته یارمحمد خان تره کی، "انقلاب ثور"، ناراحت ساخته باشد؟! درحالیکه "کادر" حزب، چه خلقی و چه پرچمی، پرورده های سازمان جاسوسی رو سیه، (کی جی بی) و (جی آر یو)، بودند، نام های مستعار از جانب آنها، به اینها تفویض گردیده بود و از آن سازمانهای جاسوسی و نظامی روسها، معاش ماهوار دریافت می کردند و...؟! چگونه امکان دارد که در صورت خرابی مناسبات رو سیه با سردار محمد داوود، دستگیری سرباند های خلق و پرچم، اعلان امکان وقوع یک کودتا در کابل از رادیو بی بی سی، آنهم چند روز قبل از وقوع کودتا و ده ها دلیل دیگر، روسها از آن کودتا بی خبر افتاده باشند، درحالیکه حضور قوی مشاوران ملکی و نظامی روسی، در افغانستان و بخصوص کابل، به حد اعظم خود رسیده بود؟!!

" شوروی ها از دیر زمانی علاقه و اشتیهای پیشروی را از دست داده بودند. نه دیگر ستالینی بود که جهان را بترساند و نه هم مارشال ژوکوفی. مامورین بیروکرات حزب کمونست آرزو داشتند تا در همزیستی مسالمت آمیز زنده گی کنند و با نظام سرمایداری از راه مدارا پیش بیایند..."

این سخنان جناب یارمحمد تره کی، سخت سست بنیاد است و از حقیقت فرسخها فاصله دارد، اگر ستالینی نبود، گورباچوفی بود که به مراتب از ستالین بدتر عمل می کرد. سری میزنیم به گوگل، میرسیم به ویکی پیدیا و می خوانیم:

"... سیاستی که اتحاد شوروی برای تحمیل کردن دولت های مشابه شوروی در میان اقمارش در پیش گرفت به نام دکترین برژنف یا «اصل حاکمیت محدود»، شناخته می شود. دکترین برژنف در واقع عنوانی برای جمله ای است که برژنف در جریان کنفرانس براتیسلاوا آن را مطرح ساخت. «هرگاه سوسیالیسم در یک کشور سوسیالیستی در معرض تهدید باشد حفظ و دفاع از ارزشهای سوسیالیسم در آن کشور به عهده سایر کشورهای سوسیالیست است.»

و این سیاستی بود که لئونید برژنف، رهبر شوروی، رسماً ارائه کرد، گرچه از دوران استالین اعمال می شد. این دکترین تا دهه ۱۹۸۰ مورد استفاده بود و پس از آن با روی کار آمدن گورباچف آنچه به شوخی دکترین سیناترا نام گرفت جایگزین آن شد.

بلی جناب یار محمد تره کی! دکترین ستالین تا زمان مرگ برژینف ادامه داشت و بر همان اساس روسها به افغانستان تجاوز کردند، چون از یک جانب از اصلاحات رئیس جمهور وقت، سردار محمد داوود خان، در هراس بودند، و از جانب دیگر سیاست پیشروی به جانب آبهای گرم یا همان بحر هند، حتی از زمان تزار های روس مد نظر بود و به همان اساس جهت سرکوب رژیم محمد داوود خان، کودتای ننگین و خونین هفتم ثور ۱۳۵۷ را سرو سامان دادند و دستور مستقیم آن کودتای نامیمون از قصر کریملین و توسط جنرالان کارگشته سازمان جاسوسی کی جی بی به "کادر" های "ح.د.خ"، از جمله "نورمحمد تره کی"، جاسوس کهنه کار و شناخته شده آن سازمان مخوف صادر شد.

اینکه حفیظ الله امین پیش دستی کرد و وقوع آن فاجعه را تسریع بخشید، بدان معنی است که، کودتای ثور قبلاً از جانب روسها طراحی گردیده بود و زمان آن هم مشخص شده بود، اما زندانی ساختن "کادر" های حزب، حفیظ الله امین را وحشتزده ساخت، اما باز هم دستان روسها در کار بود تا از زندانی شدن حفیظ الله امین، جلوگیری کنند.

جناب رفیق یارمحمد تره کی! شما چگونه چشم بسته، تجاوز نظامی روسها به چکسلواکیای وقت را نادیده می گیرد و حکم صادر می کنید که سیاست پیشروی ستالین، بعد از مرگ او، گویا دنبال نشد؟! چرا جهت دفاع از کودتا و تجاوز نظامی روسها، تاریخ را تحریف می کنید و به زعم خودتان، به چشم مردم می خواهید خاک بزنید؟!

"... غربی ها نیز که عطالت رهبری بزرگترین نظام سوسیالیستی را مشاهده نمودند آرام آرام مانند کرم پیله به جاه های نرم و آسیب پذیر شوروی خزیدند. دیری نگذشت که آماتوران افغان بدون اجازه، مشوره و حتی اطلاع برادران بزرگ انقلاب نمودند و پرینس سرخ را سرنگون کردند."

این "بزرگترین نظام سوسیالیستی"، که از نگاه رفیق یارمحمد تره کی، به عطالت ملزم می شود، همان رهبری عاطل و باطل بود که با بیش از صد هزار عسکر مهاجم ارتش سرخ روسی که تا دندان مسلح بودند، نامردانه و وحشیانه به افغانستان هجوم آوردند و یک جنگ اشغالگرانه و نابرابر را در افغانستان به راه انداختند و بیشتر از پنج میلیون افغان را مجبور به مهاجرت از کشور آبائی شان نمودند و حدود یک و نیم میلیون افغان را قتل عام کردند، صد ها هزار افغان را از زن و مرد

گرفته تا پیر و جوان و کودکان، معیوب، معلول و مفلوج و... ساختند و هزار و یک جنایت دیگر را مرتکب شدند که یک یک را نام گرفتن، مثنوی هفتاد من کاغذ می شود.

از اینها گذشته، اینکه می نویسید: "غربی ها... آرام آرام مانند کرم پیله به جاه های نرم و آسیب پذیر شوروی خزیدند..."، سوال ایجاد می شود که شما رفیق یارمحمد تره کی، آن جاه های نرم روسها را چگونه تشخیص دادید؟!

آیا افغانستان یک جای نرم روسها بود، یا سخت؟!

باز هم شما می نویسید: "... دیری نگذشت که آماتوران افغان بدون اجازه، مشوره و حتی اطلاع برادران بزرگ انقلاب نمودند و پرینس سرخ را سرنگون کردند."

در این قسمت از چند و چون قضیه میگذریم، اما آیا جناب شما گفته می توانید که:

۱- فرق بین کودتا و انقلاب چیست؟

۲- خلقی ها آماتور بودند یا پرچمی ها یا هر دو؟

۳- آیا یک انقلاب به اجازه از "برادر بزرگ"، یا برادر کوچک ضرورت دارد؟

۴- آیا جهت براه انداختن یک انقلاب به اجازه و مشوره ضرورت است؟

۵- اگر خلقی ها و پرچمی ها آماتور بودند، پس نور محمد تره کی هم یک آماتور بود که کشوری را به خاک و خون کشید؛ پس جناب شما، رفیق یارمحمد تره کی، چرا از آن آماتور که بی اجازه و مشوره روسها "انقلاب" کرد، هنوز هم تجلیل می کنید. (رجوع شود به گزارش بی بی سی که لینک آن در بالا گذاشته شده است).

ادامه دارد